

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سید ملک - اتریش  
۲۲ اکتوبر ۲۰۲۲



سید ملک

## خوشا آنانی که در راه حقیقت، به خون خویش غلتیدند و رفتند!

همین حالا مصروف دیدن فلم آخرین دقیق زندگی سقراط اندیشمند بزرگ بشریت بودم. این بزرگمرد اندیشه بشری اولین فیلسوفی بود که از مباحث مسایل طبیعی به مسایل بشری پرداخت. البته سالها قبل که به شکل توریستی یونان رفته بودم زندان منسوب به سقراط را که در دل تپه ای ریگی در آتن است دیده و یکساعتی در آنجا به یاد این بزرگمرد اندیشه نشسته و مکث کردم. به هر صورت درین فلم دراثنایی که شاگردانش وسایل فرار رامساعدکردند اما خودش این پیشنهاد را رد و گفت: «درحالی که خودم به خاطر تحقق قانون مبارزه می نمایم چطور خلاف قانون حرکت کنم.» طوری که همه می دانیم دراثنایی که سقراط جام شوکران را به دست گرفت تا بنوشد. شاگردانش گریه می کردند. وی بانک برآورد که شمارا چه شده و چرا گریه می کنید و با شحاتت جام را سرکشید و طبق دستور داده شده راه رفت تا بزمین افتیده و از دنیا رفت.

باید علاوه نمایم که تاریخ بشر مملو از قربانیان حقیقت جاوید است که فقط تاریخ و محل آن فرق می کند به قول عامیانه «دنیا سر سزای گریبان نداشته است» یا «قبای بیضه برتن می درد مرغی که کامل شد.»

باید با تلخی قبول کرد که ویژه ها سوژه اند و اگر عمر را به شکل طبیعی آن بتوانند به آخر هم برسانند. توأم باخون دل و یا تجرید شده و یا به انزوا گرویدگان اند.

به یادم آمد نوشته ای که نقل می کرد: روزی سربازان رومی تعدادی از مسلمین را اسیر و دردیگ های بزرگ روغن داغ شده انداختند و تعدادی دیگر از اسیران در اطراف دیک ها به گریه افتادند. حاکم روم به ایشان گفت گریه نکنید و اگر با ما بجنگید وضع همه شما چنین است. اسراء گفتند گریه ما به خاطر ترس نیست بلکه به خاطر این است که چرا این شهادت نصیب ما نشد.

خوب گفته اند تاریخ با خون بزرگمردان رقم زده شده است. این بزرگمردان اند که مردانه زندگی می کنند و مردانه می میرند و این نامردان اند که از چوته خویش عقیده و اعتقاد خود را زودتر تبدیل می کنند و هرگز اهل مقاومت نبوده و همیشه مانند موش اسیر گرفته شده و شرافت تسلیمی را هم نداشته و ندارند.

در آخر بیٹی از سعدی در دفاعیه شهید «خسروزبه» به یادم آمد. در حالی که مصرانه خواهش اعدام شدن را نموده و اعدام شد. گوید:

**مصروف عشق جانان گر عاشقیست صادق      در روز تیرباران باید که سرنخارد**

در آخر با معذرت از حاشیه روی که عادت به مرگ همیشگی من است. این بیت به یادم آمد

**سرکشته بر نیزه می زد نفس      که معراج مردن همین است و بس**